

# قندپاری

## نذر حافظ

من - محمد صدق عالم صدر، استاذ مدرسه اسلامیة شمس الهدی پهنه

چه گویم من ترا ای جان، چه افتاد است مشکها  
 نجات از دباخلوت خوشم آید نه محفلها  
 تپد از بیقراربها، درون سینه با دلها  
 نمی دانم که آخر چیست راه و رسم منزلها  
 خدا حافظ ترا ای رهبر و راهش خدا حافظ  
 خلد بر هر قدم صد خار صباها و درد لها  
 نمی یابم نشان منزل جانان نمی یابم  
 چه شود ای رهروان کز بهر او بندید محفلها  
 نهد آن کس که در راه طلب با شوق دل پای  
 به پیش او بیاید بهر استقبال منزلها  
 حدیث جنت و حوران، چه می گوئی مرا واعظ  
 که من آتش زدم بر سوسها و جسد حاصلها  
 چه دادی اے فلک مارا که هر کس دشمنم گشته  
 ندارم خوبی کز رشک نعل افتاد درد لها  
 در افتاد است در دریائے بی پایان عشق تو  
 نمی خواهد ازین پس صد گشتیها و ساجلها